



شهامت و جرأت؛ مهم‌ترین فاکتور انتخاب سرمربی تیم ملی

۱۶ بازیکن بالای ۳۰ سال را کنار بگذار!

گزارش یک

محمد قراکزیلو

خبرنگار

جام جهانی ۲۰۲۶ برای فوتبال ایران مثل همیشه خیلی زود و با پایان مرحله گروهی تمام شد تا دوران رویاپردازی‌هایمان در بزرگ‌ترین آوردگاه فوتبال جهان مثل ادوار قبل کوتاه باشد. این بار شاید تصور می‌کردیم با ۴۸ تیمی شدن جام فرصت مناسبی نصب‌پمان شده تا آرزویی که زمانی محال به نظر می‌رسید را ممکن کنیم. این بار قرعه هم یارمان بود و شرایط گروه به گونه‌ای به نظرمی‌رسید که می‌شد صعود کرد اما نشد که نشد. متأسفانه در این تورنمنت هم نتیجه نگرفتیم و حتی اگر شکست نخورده باشیم، نه برنده شدیم، نه فوتبال باکیفیتی بازی کردیم و نه از گروه صعود کردیم تا دل‌مان به رکورد حذف بدون شکست خوش باشد. جدا از ماجرای نتیجه، طی دو هفته گذشته بحث دستاوردهای فنی تیم ملی هم داغ بود و البته بسیاری روی این نکته مانور کردند که با میدان ندادن به بازیکنان جوان یا نفراتی که بتوانند تا چند سال آینده برای تیم ملی بازی کنند و مؤثر باشند در این زمینه هم دستاوردی نداشتیم چرا که عملاً هیچ بازیکن جوانی به میدان نرفت و نفرات زیر ۳۰ سال خیلی کم بازی کردند. بعد از اردوی نسبتاً طولانی آماده‌سازی تیم ملی در تهران که چند بازی درون تیمی را هم شامل شد مسعود محبی، دانیال

اسماعیلی‌فر، حسین ابرقویی، عارف آقاسی، مهدی هاشم‌نژاد، محمد مهدی محبی، عارف حاجی‌عیدی و احسان محروقی خط خوردند و به اردوی نسبتاً مفصل ترکیه نرفتند. از این جمع جدا از اسماعیلی‌فر ۲۳ ساله، نفراتی مثل آقاسی و ابرقویی به‌زودی ۳۰ سالگی را تمام خواهند کرد اما مسعود محبی ۲۲ سال دارد، هاشم‌نژاد ۲۴ ساله است، حاجی‌عیدی ۲۷ و محروقی ۲۲ ساله بودند.

کادر فنی تیم ملی قبل از ورود به تورنمنت و در آخرین مهلت برای تعیین لیست نهایی نیز محمد خلیفه، کسری طاهری، امیرحسین محمودی، امید نورافکن و هادی حبیبی‌نژاد را کنار گذاشت که غیر از دو نفر آخر که یکی در آستانه ۳۰ سالگی و دیگری ۳۱ سالگی است سن بازیکن اول ۲۰، ۲۱ و ۱۹ سال سه داشتند.

از بین بازیکنان حاضر در لیست نهایی البته امیرمحمد زقانی‌نیا و دانیال ایری که ۲۰ و ۲۲ سال سن داشتند اصلاً در این تورنمنت بازی نکردند. از جمع بازیکنان زیر ۳۰ سال فقط محمد محبی بازیکن ترکیب اصلی بود که در هر سه مسابقه به میدان رفت و یک گل هم زد. غیر از او مهدی قایدی ۲۷ ساله فقط یک نیمه مقابل نیوزیلند، آریا یوسفی ۲۴ ساله فقط یک نیمه مقابل نیوزیلند، محمد قربانی ۲۵ ساله فقط یک بازی مقابل مصر، امیرحسین حسین‌زاده دو بازی که جمعاً به ۲۰ دقیقه نمی‌رسید و صالح جردانی ۲۷ ساله دو بازی یک نیمه‌ای انجام دادند. همچنین از جمع بازیکنان زیر ۳۰ سال ندیس درگاهی که ۲۹ سال سن دارد اصلاً



این جسارت اگر نزد مدیران فدراسیون فوتبال وجود داشته باشد تبدیل به مهم‌ترین فاکتور برای انتخاب سرمربی بعدی تیم ملی خواهد شد و پروسه جوان‌سازی تیم ملی رسماً آغاز می‌شود

بازی نکرد.

اما در طرف مقابل ۴ بازیکن ۳۰ سال و بالای ۳۰ سال در این تورنمنت برای تیم ملی بازی کردند و غیر از دو دروازه‌بان بالای ۳۰ سال (نیازمند و حسینی) همه بازیکنان مسن تیم ملی در این تورنمنت به میدان رفتند و خیلی‌هایشان هم در هر سه مسابقه فیکس بودند. قبل از جام جهانی کادر فنی تیم ملی اعلام کرد به این دلیل بازیکنان باتجربه را انتخاب کردند چون بیشتر این نفرات تجربه حضور در جام جهانی قبلی و شرایط سیاسی حاکم بر آن تورنمنت را دیده و تجربه کرده بودند. در واقع معیار اصلی انتخاب این نفرات مسن فنی نبود اما حالا چه واقعیت اینکه سرمربی بعدی تیم ملی هر فردی که باشد باید جرأت

کنار گذاشتن نفرات مسن و رویکرد به بازیکنان جوان را داشته باشد. در واقع سرمربی بعدی تیم ملی باید جرأت کنار گذاشتن این ۱۶ بازیکن بالای ۳۰ سال را داشته باشد کما اینکه بیشتر این نفرات واقعاً در حوزه ملی و آوردگاه‌های بزرگ تمام شده‌اند و بقیه نیز چیز بیشتری برای ارائه نخواهند داشت. سرمربی بعدی تیم ملی هر که باشد باید جرأت کنار گذاشتن نفراتی مثل بیرانوند، رضاییان و مهدی طارمی را هم داشته باشد. در شرایطی که احسان حاج‌صفی، جهانپخش، شجاع و بازیکنان مسن تیم ملی که بیشترشان به اندازه کافی طعم شیرین حضور در تورنمنت‌های بزرگ را چشیده‌اند، خداحافظی بلد نیستند و منتظر لیست بعدی و فیکادی آینده مانده‌اند این جسارت

و جرأت باید نزد سرمربی بعدی تیم ملی وجود داشته باشد که با تبعی متحول شده برای جام ملت‌های آسیا آماده شود. باور کنید بدون این ۱۶ بازیکن هم می‌توان تیم ملی خوبی داشت کما اینکه کلی بازیکن زیر ۳۰ سال با نفرات جوان قبل از جام جهانی در تیم ملی حضور داشتند که حالا می‌توانند با ارتقای موقعیت‌شان به بازیکن اصلی تبدیل شوند. در عین حال بسیاری از بازیکنان تیم ملی امید نیز بعد از بازی‌های آسیایی ناگویی می‌توانند عضو از تیم ملی در جام ملت‌های آسیا باشند به شرط اینکه واقعاً عزمی در فدراسیون فوتبال وجود داشته باشد که بالاخره از نسلی که با جام جهانی را تجربه کرد عبور کرده و به بازیکنان جوان‌تر فرصت عرض

اندام دهد. این جسارت اگر نزد مدیران فدراسیون فوتبال وجود داشته باشد تبدیل به مهم‌ترین فاکتور برای انتخاب سرمربی بعدی تیم ملی خواهد شد و پروسه جوان‌سازی تیم ملی رسماً آغاز می‌شود. در عین حال یقین داریم که اگر این پروژه اجرایی شود هیچ‌کس با شکست دوباره در جام ملت‌ها سرخورده نخواهد شد چرا که تیم ملی نوظهور با تجربه بزرگ حضور در جام ملت‌ها می‌تواند با اهدافی تعالی برای جام جهانی آماده شود. اهدافی که با نسل تازه قابل دسترسی‌تر به نظر می‌رسد و حتی اگر حاصل نشود پله‌های نخست ساخت یک تیم قدرتمند برداشته شده و می‌تواند کاملاً امیدوارکننده باشد.



خبرنگار

سؤال روز

۲۰ سال، دو مسیر

چرا ژاپن از ایران فاصله گرفت؟

جام جهانی ۲۰۲۶ فقط فاصله تیم‌ها را نشان نداد؛ فاصله ایده‌ها را هم آشکار کرد. فوتبال ژاپن شکست خورد، اما پروژه‌اش زنده ماند. فوتبال ایران بار دیگر با این پرسش روبه‌رو شد که چرا رقیب دیروز، امروز به الگوی آسیا تبدیل شده است؟ وقتی سوت پایان دیدار ژاپن و برزیل در مرحله حذفی جام جهانی ۲۰۲۶ به صدا درآمد، بازیکنان ژاپن روی زمین افتادند؛ نه از سر حسرت یک حذف معمولی، بلکه به این دلیل که تنها چند دقیقه با خلق یکی از بزرگ‌ترین شکفتی‌های تاریخ فوتبال کشورشان فاصله داشتند. حاجیمه موریاسو بعد از مسابقه گفت: «فاصله ما با قدرت‌های بزرگ کمتر شده است، اما هنوز باید بهتر شویم.» جمله‌ای که بیش از هر تحلیل فنی، فلسفه فوتبال ژاپن را توصیف می‌کند؛ رضایت از پیشرفت، اما نه رضایت از وضعیت موجود.

همان شب، در فوتبال ایران، سؤال قدیمی دوباره زنده شد؛ اگر دو کشور روزگاری تقریباً همسطح بودند، چرا امروز یکی از «نزدیک شدن به برزیل» حرف می‌زند و دیگری همچنان از عبور از مرحله گروهی؟

فوتبال را نمی‌شود با چهار سال برنامه‌ساخت سال ۱۹۹۳، ژاپن فقط یک لیگ حرفه‌ای راه‌اندازی نکرد؛ یک تفکر جدید را پایه گذاشت. سه دهه بعد، فدراسیون فوتبال این کشور سند «Japans Way» را به عنوان فلسفه ملی فوتبال منتشر کرد؛ سندی که فوتبال را پروژه‌ای ملی می‌داند و از توسعه مربیان، فوتبال پایه، آموزش، استعدادیابی و حضور در فوتبال اروپا به عنوان اجزای یک زنجیره واحد نام می‌برد. هدف نهایی نیز جاطلبانه است: تبدیل ژاپن به یکی از قدرت‌های برتر فوتبال جهان.

در فوتبال ایران اما کمتر پروژه‌ای عمر یک دهه را تجربه کرده است. مدیران تغییر کرده‌اند، سرمربیان آمده و رفته‌اند و هر دوره، اولویت‌های تازه‌ای تعریف شده است. نتیجه، چرخه‌ای از شروع‌های دوباره بوده؛ بدون آنکه پروژه‌ای فرصت رسیدن به مقصد را پیدا کند.

تفاوتی که در اروپا ساخته شد

اگر فاصله امروز ایران و ژاپن را بتوان در یک قاب خلاصه کرد، آن قاب احتمالاً نقشه فوتبال اروپا خواهد بود.

ژاپن طی سال‌های اخیر حضور بازیکنانش در لیگ‌های معتبر را به بخشی از سیاست توسعه فوتبال تبدیل کرده است. از بوندس‌لیگا تا لیگ برتر انگلیس و لالیگا، بازیکنان ژاپنی دیگر پدیده‌های استثنایی نیستند؛ بخشی از جریان عادی فوتبال این کشورند. در ایران، هرچند ستاره‌هایی مانند مهدی طارمی یا سردار آزمون مسیر متفاوتی را طی کردند، اما صادرات بازیکن هنوز بیشتر به استعدادهای فردی وابسته است تا محصول یک سیستم منظم. این تفاوت، شاید مهم‌ترین شکاف میان دو فوتبال باشد؛ یکی بازیکن تولید می‌کند و دیگری هنوز به ظهور نسل‌های طلایی امیدوار است.

تفاوت در ذهنیت، نه فقط کیفیت

پیش از آغاز جام جهانی، موریاسو جمله‌ای گفت که بازتاب زیادی پیدا کرد: «بهترین تیم آسیا بدون دیگر برای ما کافی نیست.» این تغییر ذهنیت، مهم‌تر از هر تغییر تاکتیکی است. ژاپن دیگر موفقیت خود را با قهرمانی آسیا نمی‌سنجد؛ معیارش رقابت با فرانسه، برزیل یا اسپانیاست. فیلیپ تروسیه، مربی فرانسوی که نقش مهمی در تحول فوتبال ژاپن داشت، سال‌ها قبل گفته بود بزرگ‌ترین دستاورد این کشور، تغییر باور بازیکنان بود؛ اینکه یاد گرفتن از تیم‌های بزرگ ترسند. امروز، آن تغییر ذهنیت در سبک بازی ژاپن دیده می‌شود؛ تیمی که مقابل قدرت‌های جهان عقب نمی‌شیند، حتی اگر در نهایت شکست بخورد.

ایران؛ استعداد هست، ساختار کم‌رنگ است کمبود استعداد، هرگز مشکل فوتبال ایران نبوده است. از نسل علی دایی و کریم باقری تا نسل مهدی طارمی، فوتبال ایران همیشه بازیکنان باکیفیتی معرفی کرده است.

اما فوتبال مدرن دیگر بر پایه استعدادهای پراکنده اداره نمی‌شود. تیم‌هایی موفق‌اند که میان فوتبال پایه، لیگ، آموزش مربیان، علم داده، پزشکی ورزشی و استعدادیابی ارتباطی منظم ایجاد کرده باشند. ژاپن این زنجیره را سال‌هاست ساخته و حفظ کرده است؛ حتی زمانی که نتایج مطابق انتظار نبوده‌اند.

جام جهانی تمام شد؛ پروژه ادامه دارد

نکته مهم درباره ژاپن این نیست که در جام جهانی ۲۰۲۶ حذف شد؛ مهم این است که حذف، مسیرش را تغییر نخواهد داد. همان‌گونه که ناکامی‌های قبلی باعث نشد از برنامه بلندمدت خود فاصله بگیرد. گاردین پس از حذف ژاپن نوشت که این تیم، با وجود شکست، همچنان الگوی فوتبال آسیاست؛ زیرا پشت هر نتیجه، یک برنامه روشن دیده می‌شود.

شاید هیچ‌کس نتواند ثابت کند اگر ایران از بیست سال پیش همان مسیر ژاپن را انتخاب می‌کرد، امروز در جمع هشت تیم برتر جهان قرار داشت. اما یک واقعیت را نمی‌توان انکار کرد: فاصله امروز، محصول مسابقه‌ای ۹۰ دقیقه‌ای نیست. این فاصله، حاصل هزاران تصمیمی است که طی سه دهه گرفته شد؛ تصمیم‌هایی که در توکیو به یک نقشه راه تبدیل شدند و در تهران، اغلب با تغییر مدیران از نو نوشته شدند.

جام جهانی ۲۰۲۶ برای ژاپن پایان یک تورنمنت بود؛ برای فوتبال ایران، اگر اراده‌ای برای تغییر وجود داشته باشد، می‌تواند آغاز یک بازنگری باشد.

حذف تیم ملی است بلکه سؤال مهم‌تر این است که چه کسی مسئول توضیح دادن است؟ پاسخگویی فقط به معنای حضور در نشست خبری نیست. پاسخگویی یعنی مشخص شود برای جام جهانی چه اهدافی تعریف شده بود، چه مقدار از آنها محقق شد، کدام تصمیم‌ها درست بود و کدام تصمیم‌ها باید اصلاح شود. اگر این فرآیند وجود نداشته باشد، هر جام جهانی از نقطه صفر آغاز می‌شود؛ بدون آنکه تجربه دوره قبل به سرمایه‌ای برای آینده تبدیل شود.

یک گزارش؛ نه برای امروز، برای فردا

شاید مهم‌ترین تصمیمی که امروز فوتبال ایران به آن نیاز دارد، انتخاب سرمربی جدید یا تمدید قرارداد سرمربی فعلی نباشد. شاید مهم‌تر از همه، تدوین یک گزارش جامع از آن چیزی باشد که در جام جهانی رخ داد؛ گزارشی که بی‌پرده از حرفه‌ای‌های شگست را به داده تبدیل می‌کند؛ داده‌ای که مبنای اصلاح ساختار، تغییر برنامه‌ها و جلوگیری از تکرار اشتباهات می‌شود. اما اگر شکست فقط به چند مصاحبه، چند جلسه و چند تصمیم کوتاه‌مدت ختم شود، احتمال تکرار آن بیشتر خواهد بو. البته فدراسیون فعلاً همین کار را هم انجام نداده. به همین دلیل است که بسیاری از فدراسیون‌های موفق، گزارش‌های فنی را نه برای رسانه‌ها، بلکه برای آینده خود تهیه می‌کنند.

مشکل فقط یک شکست نیست

شکست در فوتبال طبیعی است. برزیل، آلمان، فرانسه و اسپانیا هم شکست می‌خورند اما تفاوت در نحوه مواجهه با شکست است. فوتبال حرفه‌ای شکست را به داده تبدیل می‌کند؛ داده‌ای که مبنای اصلاح ساختار، تغییر برنامه‌ها و جلوگیری از تکرار اشتباهات می‌شود. اما اگر شکست فقط به چند مصاحبه، چند جلسه و چند تصمیم کوتاه‌مدت ختم شود، احتمال تکرار آن بیشتر خواهد بو. البته فدراسیون فعلاً همین کار را هم انجام نداده. به همین دلیل است که بسیاری از فدراسیون‌های موفق، گزارش‌های فنی را نه برای رسانه‌ها، بلکه برای آینده خود تهیه می‌کنند.

پاسخگویی، حلقه گمشده

شاید مسئله اصلی این نباشد که چه کسی مقصر

اما در فوتبال ایران، انگار با پایان آخرین بازی، پرورنده جام جهانی هم بسته می‌شود؛ بدون آنکه کسی بداند قرار است چه چیزی بررسی شود و بر اساس چه مستندات تصمیم‌های بعدی گرفته خواهد شد.

در فوتبال حرفه‌ای، شکست هم سند دارد

در بسیاری از فدراسیون‌های معتبر فوتبال، پایان یک تورنمنت آغاز مرحله‌ای به نام «ارزایی» است. گزارش‌های فنی، پزشکی، بدنی، آنالیز حرفیان، عملکرد بازیکنان و حتی کیفیت برنامه‌ریزی اردوها روی میز مدیران قرار می‌گیرد تا تصمیم‌ها بر پایه داده باشد، نه احساس. فدراسیون فوتبال ژاپن سال‌هاست در قالب پروژه «Japans Way» بر مستندسازی، تحلیل فنی و انتقال تجربه از هر تورنمنت به نسل بعد تأکید می‌کند. در این نگاه، حتی شکست نیز بخشی از فرآیند یادگیری است، نه صرفاً یک نتیجه تلخ که باید هرچه زودتر فراموش شود. آلمان نیز پس از حذف تلخ در جام جهانی ۲۰۱۸، تنها به تغییر سرمربی اکتفا نکرد. ساختار فوتبال این کشور وارد مرحله ارزیابی شد؛ از فوتبال پایه تا استعدادیابی و آموزش مربیان، همه چیز زیر ذره‌بین قرار گرفت تا مشخص شود ریشه ناکامی کجاست.

هیأت‌رئیس‌ه قرار است

چه چیزی را بررسی کند؟

در ایران هم به‌زودی هیأت‌رئیس‌ه فدراسیون فوتبال درباره آینده تیم ملی تصمیم خواهد گرفت. اما پرسش ساده این است؛ اعضای

هیأت‌رئیس‌ه فدراسیون فوتبال قرار است به‌زودی درباره عملکرد تیم ملی در جام جهانی تصمیم بگیرد. اما یک سؤال پیش از هر تصمیمی وجود دارد: آیا گزارش فنی جام جهانی آماده شده است؟ آیا گزارش پزشکی، بدنسازی، آنالیز رقیب، عملکرد بازیکنان، هزینه‌های آماده‌سازی و شاخص‌های عملکرد (KPI) روی میز اعضای هیأت‌رئیس‌ه قرار خواهد گرفت؟ اگر چنین اسنادی وجود ندارد، مهم‌ترین تصمیم چهار سال اخیر فوتبال ایران

نیاز به استعدادهای جوان و مستعد داریم

بادامکی: کادرفنی تیم ملی به مربی بین‌المللی نیاز دارد

مصاحبه

محمد محمدی سدهی

خبرنگار

جام جهانی ۲۰۲۶ در حالی برای تیم ملی فوتبال کشورمان به پایان رسید که کارشناسان فوتبال اعتقاد دارند کادر فنی تیم ملی برای حضور در مسابقات پیش رو نیازمند تقویت است. این در حالی است که فوتبال ایران جام ملت‌های آسیا را در پیش دارد و فدراسیون فوتبال باید از حالا برای حضور در این میدان سخت و تقویت کادر فنی برنامه‌ریزی کند تا به نوعی ناکامی صعود از مرحله گروهی جام جهانی کم‌رنگ‌تر شود.

حسین بادامکی، بازیکن سابق تیم ملی در خصوص نتایج این تیم در جام جهانی به «ایران ورزشی» گفت: «نتایج تیم ملی در این مسابقات خوب نبود. این تیم می‌توانست بهتر از این نتیجه بگیرد اما به هر حال تیم ملی فوتبال

کشورمان از مسابقات جام جهانی کنار رفت و حالا زمان مناسبی است تا بازیکنان جوان را به ترکیب تیم ملی اضافه کنیم و از حضور این بازیکنان جوان که در تیم‌های ملی پایه بازی می‌کنند، استفاده کنیم. تیم ملی نیازمند حضور بازیکنان جوان است تا بتواند با دوندگی و جنگندگی بیشتر در مسابقات پیش رو به خصوص جام ملت‌های آسیا حاضر شود.»

او بیان داشت: «باید برای حضور در جام ملت‌ها تدارک خوبی در نظر بگیریم هر چند در اجرای بازی تدارکاتی برای حضور در جام جهانی موفق نبودیم و این عاملی بود برای ناکامی تیم ملی در جام جهانی. البته از نظر من ما می‌توانستیم از مرحله گروهی صعود کنیم اما همین عدم تدارک مناسب و همچنین جنگ تحمیلی

باعث شد تیم ملی در شرایط عجیب و غریبی قرار بگیرد و ما نتوانیم در جام جهانی موفق شویم، هر چند این دوره از جام جهانی فرصت خوبی برای صعود از مرحله گروهی بود که این فرصت از دست رفت.»

این بازیکن سابق تیم ملی با اشاره به کیفیت تیم‌های بلژیک و مصر افزود: «کیفیت تیم‌های صعود کننده همگروه‌مان بلژیک و مصر در مرحله گروهی نشان داد که تیم ملی می‌توانست به مرحله بعدی صعود کند البته این دو تیم رقبای سرسختی برای ما محسوب می‌شدند اما تیم ملی این توان را داشت که با کسب نتیجه مناسب به مرحله بعدی مسابقات جام جهانی راه یابد. این اتفاق قطعاً می‌توانست باعث پیشرفت فوتبال ایران شود.»



بادامکی در خصوص تغییر نسل تیم ملی این گونه صحبت کرد: «از نظر من باید چند بازیکن جوان از تیم ملی امید را به تیم ملی بیاوریم و با این بازیکنان مسابقات دوستانه با تیم‌های قدرتمند برگزار کنیم. بازیکنان جوان نیازمند کسب تجربه هستند و باید شرایطی برای آنها فراهم شود تا به خودباوری برسند. می‌توانیم با بازیکنان جوان در جام ملت‌ها حاضر شویم البته منظور من این نیست که تمام بازیکنان تیم ملی را تغییر دهیم بلکه می‌توانیم چندین بازیکن جوان را در کنار بازیکنان کنونی قرار دهیم تا بازیکنان جوان در کنار بازیکنان